گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۴۳۷
پنج شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۵ ۹:۵۷

محمدحسین بیجارچی، رئیس هیئت‌مدیره شرکت آبدیده صنعت اکباتان (آبان)

خلاقیت و نوآوری، در گرو تصمیم‌گیری کارشناسی و شناخت بازار برای حل مشکلات تولید

توسعه صنعت و بهبود وضعیت واحدهای تولیدی تنها با اختصاص منابع مالی امکان‌پذیر نیست. برای حل مشکلات این بخش، باید شرایط بازار، روند تولید، توان تخصصی مدیران و تجربه‌های موفق دیگر کشورها به‌درستی بررسی شود. همچنین تصمیم‌گیری‌های صنعتی زمانی نتیجه‌بخش خواهند بود که بر پایه نظر کارشناسان و شناخت دقیق مشکلات هر واحد تولیدی انجام شوند.

به گزارش شبکه خبری مدیران نابغه، محمدحسین بیجارچی، سهامدار ارشد و رئیس هیئت‌مدیره شرکت آبدیده صنعت اکباتان (آبان)، در گفت‌وگویی ویژه درباره شیوه مدیریت واحدهای صنعتی، اهمیت استفاده از نظر متخصصان، مشکلات تسهیلات حمایتی، نقش رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی عمومی و کاربرد هوش مصنوعی در صنعت توضیح داد.

اهمیت استفاده از نظر متخصصان در مدیریت

بیجارچی معتقد است مدیران برای تصمیم‌گیری‌های مهم نباید تنها به برداشت و تجربه شخصی خود تکیه کنند. هر موضوع تخصصی باید با کمک افرادی بررسی شود که در همان زمینه دانش و تجربه کافی دارند.

به گفته وی، در انتخاب مشاور نباید ملیت، مذهب یا محل زندگی افراد معیار اصلی باشد؛ بلکه دانش، تخصص و توانایی ارائه راهکار اهمیت دارد. مدیر باید به دنبال فردی باشد که شناخت بیشتری از مسئله موردنظر دارد و بتواند راه‌حل مناسبی ارائه دهد.

وی همچنین تأکید می‌کند که مشاوره تخصصی باید به‌عنوان یک خدمت حرفه‌ای در نظر گرفته شود و هزینه آن پرداخت شود. انتظار دریافت نظر کارشناسی بدون در نظر گرفتن ارزش تخصص، نگاه درستی به مشاوره نیست.

از نظر بیجارچی، بهتر است مدیران در موضوعات مهم از چند متخصص نظرخواهی کنند و دیدگاه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند. ممکن است کارشناسان درباره یک مسئله به نتایج متفاوتی برسند؛ در چنین شرایطی مدیر باید با بررسی استدلال‌ها و اطلاعات موجود، تصمیم نهایی را بگیرد.

وی در ادامه به تفاوت میان تحلیل و اجرا اشاره می‌کند. به اعتقاد او، کسی که وظیفه بررسی و تحلیل یک موضوع را بر عهده دارد، لزوماً نباید مسئول اجرای همان تصمیم نیز باشد. تفکیک این دو بخش می‌تواند به شفافیت بیشتر تصمیم‌گیری و ارزیابی دقیق‌تر نتایج کمک کند.

استفاده از تجربه کشورهای دیگر به‌جای شروع دوباره

بیجارچی یکی از راه‌های پیشرفت در صنعت را بررسی تجربه کشورهای موفق می‌داند. به باور وی، بسیاری از مسائل صنعتی در کشورهای دیگر بررسی و برای آن‌ها راه‌حل‌هایی پیدا شده است. بنابراین لازم نیست هر کشور یا مجموعه‌ای برای تمام مشکلات از نقطه صفر شروع کند.

وی معتقد است مدیران و تصمیم‌گیران باید تجربه‌های موفق جهانی را مطالعه کنند، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را بشناسند و در صورت تناسب با شرایط داخلی، از آن‌ها استفاده کنند.

البته الگوبرداری به معنای اجرای بدون تغییر یک روش نیست. شرایط اقتصادی، امکانات، زیرساخت‌ها و بازار هر کشور متفاوت است و راهکارها باید متناسب با این شرایط بررسی و اجرا شوند.

مشکلات تسهیلات حمایتی و ضرورت توجه به بازار فروش

یکی از موضوعات مهم مطرح‌شده در این گفت‌وگو، نحوه پرداخت و استفاده از تسهیلات حمایتی به واحدهای تولیدی است. بیجارچی معتقد است اختصاص وام به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات یک واحد صنعتی را برطرف کند و در برخی موارد حتی ممکن است بدهی و فشار مالی بیشتری برای تولیدکننده ایجاد کند.

به گفته وی، در بعضی طرح‌های حمایتی، منابع مالی با هدف کمک به تولید در اختیار واحدها قرار گرفته، اما این منابع در عمل به بخش‌های دیگری مانند خرید ملک یا ساخت‌وساز اختصاص یافته‌اند. در چنین شرایطی، هدف اصلی حمایت از تولید محقق نمی‌شود.

بیجارچی با اشاره به تجربه خود می‌گوید بیش از بیست واحد را می‌شناسد که در نتیجه اجرای نامناسب طرح‌های حمایتی با مشکلات مالی روبه‌رو شده‌اند. به اعتقاد وی، بررسی دقیق وضعیت این واحدها نشان می‌دهد که مشکل بسیاری از آن‌ها صرفاً کمبود نقدینگی نبوده است.

وی توضیح می‌دهد که گاهی یک واحد تولیدی توانایی تولید محصول را دارد، اما بازار مناسبی برای فروش آن وجود ندارد. در چنین شرایطی، دریافت

وام ممکن است هزینه‌های واحد را افزایش دهد، درحالی‌که مشکل اصلی همچنان پابرجاست.

از نگاه بیجارچی، برای حمایت مؤثر از تولید باید به موضوع فروش، بازار مصرف و گردش مالی توجه شود. اگر محصول تولیدشده مشتری نداشته باشد یا پول حاصل از فروش به‌موقع به چرخه تولید بازنگردد، تزریق منابع مالی به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل را حل کند.

وی تأکید می‌کند که حمایت از تولید باید بر اساس شناخت وضعیت واقعی هر واحد انجام شود. در برخی موارد، ایجاد بازار فروش، فراهم کردن امکان خرید محصولات یا کمک به ارتباط تولیدکننده با مشتریان می‌تواند مؤثرتر از پرداخت تسهیلات جدید باشد.

نقش رسانه‌ها در تغییر نگاه جامعه به صنعت

بیجارچی رسانه‌ها را یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگاه عمومی به محصولات و فعالیت‌های صنعتی می‌داند. به اعتقاد وی، رسانه‌ها می‌توانند با معرفی درست محصولات، بیان ویژگی‌ها و افزایش آگاهی مردم، انتظارات جامعه را تغییر دهند.

وی برای توضیح این موضوع به وضعیت صنعت خودروسازی ایران در دهه‌های گذشته اشاره می‌کند. به گفته او، در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، نگاه مردم به خودرو و امکانات آن با انتظارات امروزی تفاوت زیادی داشت. در آن زمان، خودرویی مانند پیکان برای بسیاری از خانواده‌ها وسیله‌ای مهم و قابل توجه به شمار می‌رفت و دسترسی به برخی خودروهای وارداتی نیز برای همه امکان‌پذیر نبود.

با گذشت زمان و ورود محصولات جدید، انتظارات مردم نیز تغییر کرد. امکاناتی مانند کولر، شیشه‌بالابر برقی و آینه‌های برقی که در دوره‌ای ویژگی‌های خاصی محسوب می‌شدند، به‌تدریج به بخشی از انتظارات معمول خریداران تبدیل شدند.

بیجارچی معتقد است این تغییر تنها نتیجه پیشرفت فناوری نبود؛ بلکه آشنایی مردم با محصولات جدید و اطلاع‌رسانی درباره امکانات آن‌ها نیز در شکل‌گیری این انتظارات نقش داشت.

از نظر وی، رسانه‌ها می‌توانند همین نقش را در سایر بخش‌های صنعت نیز ایفا کنند. معرفی درست فناوری‌ها، توضیح نیازهای بازار و آشنا کردن مردم با ظرفیت‌های تولید داخلی می‌تواند به افزایش شناخت عمومی کمک کند.

تفاوت شیوه فعالیت یوتیوب و اینستاگرام

بیجارچی در بخش دیگری از گفت‌وگو به تفاوت عملکرد شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کند. وی معتقد است نوع محتوایی که در پلتفرم‌های مختلف منتشر می‌شود و شیوه دیده‌شدن آن، می‌تواند بر میزان اعتماد مخاطبان تأثیر بگذارد.

به گفته او، در یوتیوب معمولاً محتوای تخصصی، توضیحات دقیق و ارائه اطلاعات قابل بررسی می‌تواند به جلب اعتماد مخاطب کمک کند. در این فضا، افراد برای معرفی خود و موضوعات مختلف، فرصت بیشتری برای ارائه توضیحات و بیان جزئیات دارند.

در مقابل، بیجارچی معتقد است در اینستاگرام تعداد دنبال‌کنندگان و میزان توجه مخاطبان گاهی بیش از تخصص و دقت محتوا مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین دلیل ممکن است افرادی که توانایی جلب توجه بیشتری دارند، حتی بدون برخورداری از دانش کافی در یک موضوع، دیده شوند.

وی تأکید می‌کند که تعداد مخاطبان به‌تنهایی معیار مناسبی برای سنجش اعتبار یا تخصص افراد نیست. مخاطبان نیز باید هنگام دریافت اطلاعات از شبکه‌های اجتماعی، به سابقه، دانش و میزان اعتبار منتشرکننده توجه کنند.

کاربرد هوش مصنوعی در صنعت و محدودیت‌های موجود

یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده در این مصاحبه، استفاده از هوش مصنوعی در فعالیت‌های صنعتی است. بیجارچی معتقد است هوش مصنوعی ظرفیت زیادی برای کاهش خطاهای انسانی، افزایش سرعت پردازش اطلاعات و کمک به تصمیم‌گیری دارد؛ اما استفاده مؤثر از آن به امکانات و زیرساخت‌های مناسب نیازمند است.

به گفته وی، در حال حاضر استفاده از هوش مصنوعی در بخش‌هایی از صنعت کشور با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. کمبود زیرساخت، دسترسی نداشتن به برخی منابع و محدودیت‌های موجود در تأمین مواد اولیه می‌تواند مانع استفاده کامل از ظرفیت این فناوری شود.

وی برای توضیح این مسئله به صنعت متالورژی اشاره می‌کند. در این حوزه، ترکیب مواد و واکنش میان عناصر اهمیت زیادی دارد. یک سامانه هوش مصنوعی ممکن است بر اساس داده‌های موجود، فرمولی را پیشنهاد دهد که از نظر علمی مناسب باشد، اما مواد موردنیاز آن در بازار داخلی در دسترس نباشد.

در چنین شرایطی، تولیدکننده ناچار است از مواد جایگزین استفاده کند. با این حال، جایگزینی مواد ممکن است بر واکنش میان عناصر و نتیجه نهایی فرآیند تولید تأثیر بگذارد. بنابراین نمی‌توان بدون بررسی شرایط واقعی تولید، پیشنهاد یک سامانه هوشمند را به‌طور مستقیم اجرا کرد.

بیجارچی تأکید می‌کند که هوش مصنوعی باید با شناخت دقیق شرایط هر صنعت و محدودیت‌های موجود به کار گرفته شود. اطلاعات عمومی یک

سامانه هوشمند همیشه برای تصمیم‌گیری تخصصی در یک کارخانه یا واحد تولیدی کافی نیست و لازم است داده‌های دقیق و مرتبط با همان صنعت در اختیار آن قرار گیرد.

تفاوت ابزارهای عمومی و سامانه‌های تخصصی هوش مصنوعی

بیجارچی با اشاره به ابزارهایی مانند چت‌جی‌پی‌تی توضیح می‌دهد که این سامانه‌ها برای پاسخ‌گویی به موضوعات مختلف و ارائه اطلاعات عمومی طراحی شده‌اند؛ اما استفاده تخصصی از هوش مصنوعی در صنایع به سامانه‌هایی نیاز دارد که با داده‌ها، فرآیندها و شرایط همان حوزه هماهنگ باشند.

به اعتقاد وی، هر صنعت ویژگی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان انتظار داشت یک ابزار عمومی بدون دریافت اطلاعات تخصصی، برای همه مسائل صنعتی راه‌حل دقیق ارائه دهد.

وی معتقد است برای استفاده بهتر از این فناوری باید داده‌های تولید، مواد اولیه، شرایط دستگاه‌ها و نتایج فرآیندها به‌درستی ثبت و تحلیل شوند. هرچه اطلاعات در دسترس دقیق‌تر و کامل‌تر باشد، امکان دریافت پیشنهادهای کاربردی‌تر نیز افزایش پیدا می‌کند.

کاهش خطای انسانی و افزایش سرعت انجام کارها

بیجارچی یکی از مهم‌ترین مزایای هوش مصنوعی و فناوری‌های جدید را کمک به کاهش خطاهای انسانی می‌داند. وی برای توضیح این موضوع به تغییر روش انجام محاسبات و امور حسابداری در سال‌های گذشته اشاره می‌کند.

در گذشته بسیاری از محاسبات به‌صورت دستی انجام می‌شد و احتمال اشتباه در ثبت اعداد یا انجام عملیات وجود داشت. با ورود نرم‌افزارهای حسابداری و ابزارهای محاسباتی، بخش زیادی از این کارها با سرعت بیشتری انجام شد و خطاهای ناشی از محاسبات دستی کاهش یافت.

از نگاه بیجارچی، هوش مصنوعی نیز می‌تواند در بسیاری از فعالیت‌های صنعتی چنین نقشی داشته باشد. این فناوری می‌تواند حجم زیادی از اطلاعات را در زمان کوتاه بررسی کند، الگوهای موجود را تشخیص دهد و به کارکنان و مدیران در تصمیم‌گیری کمک کند.

البته وی استفاده از این ابزارها را به معنای حذف کامل نقش نیروی انسانی نمی‌داند. به باور او، دانش و تجربه افراد همچنان برای بررسی نتایج، تشخیص شرایط واقعی و انتخاب راهکار مناسب ضروری است.

ضرورت تصمیم‌گیری بر پایه شناخت واقعی مسائل

مجموع دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی محمدحسین بیجارچی نشان می‌دهد که حل مشکلات صنعت به مجموعه‌ای از اقدامات مرتبط با یکدیگر نیاز دارد. استفاده از نظر متخصصان، بررسی تجربه کشورهای دیگر، شناخت بازار فروش، اصلاح شیوه حمایت مالی از تولید و فراهم کردن زیرساخت‌های فناوری، از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند در بهبود شرایط واحدهای صنعتی مؤثر باشند.

بر اساس دیدگاه وی، پیش از هر تصمیم باید مشخص شود مشکل اصلی یک واحد تولیدی چیست. اگر مسئله کمبود بازار فروش باشد، پرداخت وام به‌تنهایی راه‌حل مناسبی نیست. اگر مشکل به فرآیند تولید مربوط شود، باید از متخصصان همان حوزه کمک گرفت و اگر استفاده از فناوری‌های جدید در دستور کار قرار دارد، زیرساخت و اطلاعات لازم نیز باید فراهم شود.

بیجارچی در این گفت‌وگو بر این نکته تأکید دارد که تصمیم‌گیری مؤثر زمانی شکل می‌گیرد که مسئله به‌درستی شناخته شود و راهکار انتخاب‌شده با شرایط واقعی صنعت تناسب داشته باشد.